

# مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان دیده و اقدام (در نظام حقوقی کامن لا و اسلام)

۶۱

فقه و حقوق / سال چهارم / شماره ۱۵ / زمستان ۱۳۸۶

علیرضا اسماعیل آبادی\*  
محمدحسن رضوی\*\*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۲/۱

## چکیده

قاعده رضایت زیان دیده و پذیرش خطر در نظام حقوقی کامن لا، یک دفاع کامل و تمام عیار است و عامل زیان، با استناد به آن کاملاً از مسئولیت معاف می‌شود. هر چند دادگاه‌های کامن لا در تفسیر این قاعده اختلاف نظر دارند، رویه قضایی تلاش کرده است تا دامنه قاعده را محدود کند و در بسیاری از موارد، قاعده تقصیر زیان دیده را بر این قاعده ترجیح داده است. قاعده رضایت زیان دیده و پذیرش خطر در نظام حقوقی کامن لا، با قاعده اقدام در فقه شباهت‌های زیادی دارد و هر دو قاعده مسقط مسئولیت هستند. این نوشتار تلاش می‌کند تا ضمن بازخوانی قاعده رضایت زیان دیده و پذیرش خطر در نظام حقوقی کامن لا، از لابه‌لای دعاوی که به آن استناد شده است، زوایای پنهان قاعده را روشن سازد و مشابهت‌های آن با قاعده اقدام در فقه را آشکار سازد.

واژگان کلیدی: رضایت زیان دیده، قاعده اقدام، کامن لا، مسئولیت.

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس قم) (ismailabadi@qc.ut.ac.ir).

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.

## ۱. مقدمه

اقدام زیان‌دیده در نظام‌های حقوقی اسلام و کامن‌لا از عوامل رافع مسئولیت دانسته شده است. در نظام حقوقی کامن‌لا در گذشته، اقدام زیان‌دیده یا رضایت زیان‌دیده یک دفاع تمام‌عیار دانسته می‌شد و دادگاه‌ها میان جایی که تقصیر زیان‌دیده با تقصیر دیگری موجب پیدایش مسئولیت می‌شد و در واقع، تقصیر زیان‌دیده به تقصیر دیگری گره می‌خورد، با جایی که تقصیر زیان‌دیده به تنهایی موجب خسارت می‌شد، تفاوت نمی‌گذاشتند و در هر دو مورد، زیان‌دیده را مستحق جبران خسارت نمی‌دانستند، ولی رفته رفته دادگاه‌ها میان تقصیر زیان‌دیده (تقصیر مشترک) و رضایت زیان‌دیده تفاوت گذاشتند. قاعده نخست را دفاع جزئی و موجب کاهش دانستند و دیدگاه سنتی را درباره قاعده، به قوت خود باقی گذاردند؛ با این تفاوت که دامنه اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده را محدود کردند و حتی در مواردی از اعمال آن خودداری ورزیدند و قاعده تقصیر مشترک را بر آن ترجیح دادند.

نکته قابل توجه آنکه، درباره معنای این قاعده در رویه قضایی کامن‌لا اختلاف‌نظرهایی وجود دارد و تعریف‌های متفاوتی درباره این قاعده و دامنه آن ارائه شده است و این قبیل برداشت‌ها، دستیابی به معنایی روشن از قاعده را دشوار می‌کند. از سوی دیگر، قاعده اقدام در حقوق اسلامی نیز مسقط ضمان دانسته شده است و از این جهت، بی‌شبهت به قاعده رضایت زیان‌دیده در کامن‌لا نیست. اکنون باید دید رضایت و یا اقدام زیان‌دیده چه شباهت‌هایی با یکدیگر دارند و چه تأثیری بر مسئولیت مدنی می‌گذارند؟

## ۲. تعاریف

### ۱-۲. قاعده رضایت زیان‌دیده

اصطلاح رضایت زیان‌دیده (consent) برابر اصطلاح لاتینی (volenti non fit injuria) است که ریشه در اندیشه‌های ارسطو دارد و پس از آن در نوشته‌های حقوق‌دانان کلاسیک رم و حقوق کلیسا مطرح شد و بالأخره از سال ۱۳۰۵ به صورت ضرب‌المثل

به حقوق انگلیس راه یافت و در احکام صادره دیده شد (winfield, 1950: 24) و کاتوزیان، الف، ۱۳۷۴، ۱: ۳۳۱).

رضایت زیان دیده یعنی کسی که به چیزی رضایت می‌دهد، نمی‌تواند خسارت ناشی از آن را دریافت کند، ولی در فرهنگ‌های فارسی، معادل‌های گوناگونی برای آن گذاشته شده است: «اقدام به ضرر خود، قبول مخاطره، اگر کسی دانسته قبول خطر کند، مستحق دریافت خسارت بابت زیان وارده نیست» (رفیعی، ۱۳۸۳: ۴۸ و ۵۵۴).

با وجود این، در کتاب‌های حقوقی انگلیس، این اصطلاح و اصطلاح رضایت به یک معنا هستند و به جای هم به کار می‌روند. گاه تحت عنوان رضایت (consent)، قاعده (volenti non fit injuria) هم بررسی می‌شود (fridman, 1990: 348-356).

## ۲-۲. پذیرش خطر یا پذیرش آگاهانه خطر

در نظام حقوقی کامن‌لا، اصطلاحات پذیرش خطر (assumption of risk) و پذیرش آگاهانه خطر (voluntary assumption of risk) تا اندازه‌ای در معنای رضایت به کار برده می‌شود و گاه نیز گویی در اثر نفوذ حقوق فرانسه، اصطلاح (acceptance of risk/acceptation de risqué) هم به کار رفته است.

با این همه، این اصطلاح معنای مبهمی دارد و معلوم نیست که منظور از آن چیست. زیرا، دادگاه‌ها در حقوق عرفی چند معنا برای این اصطلاح گفته‌اند و برای روشن کردن معنای آن تلاشی نشده است. البته، دادگاه‌ها کاربرد این اصطلاح را بیشتر به روابط کارگر و کارفرما یا دست کم به روابط دیگر قراردادی محدود کرده‌اند و برای موارد دیگر و پرونده‌ها، نام‌های دیگری مانند «متحمل شدن ریسک» (incurred risk) ساخته‌اند (Prosser, 1971: 439).

نگاهی به احکام صادره از دادگاه‌ها، آشکار می‌سازد که دادگاه‌ها در سه معنا، این اصطلاح را به کار برده‌اند:

الف. در ساده‌ترین تعبیر، منظور از پذیرش خطر این است که خواهان، رضایت می‌دهد تا خواننده از تعهدی که در برابر او دارد، بری گردد. در این صورت، خواننده از هرگونه تعهد حقوقی نسبت به خواهان، بری می‌گردد و تعهدی در قبال خواهان

نخواهد داشت. چنین رضایتی، تا اندازه‌ای با ابراء در حقوق مدنی ایران مشابهت دارد؛ زیرا این رضایت سبب می‌گردد تا عمل نامشروع خوانده، که در فرض عدم رضایت شبه‌جرمی عمدی به‌شمار می‌آید، قانونی و موجه شود، مگر اینکه رضایت، به خسارات ناشی از خطر غیرعمدی ناظر باشد. بنابراین، قلمرو رضایت پیش‌گفته با ابراء در حقوق مدنی ایران متفاوت است.

ب. خواهان با اراده خود و با علم به اینکه خواننده از او در برابر خطر حمایت نمی‌کند، با او قرارداد می‌بندد و به‌طور صریح یا ضمنی، به تقصیر خواننده رضایت می‌دهد و آن را می‌پذیرد. به‌عنوان نمونه، خواهان با علم به اینکه می‌داند اسب وحشی است، آن را به‌کار می‌گیرد یا با علم به اینکه ترمزهای ماشین خراب است، سوار آن می‌شود و با بی‌مبالاتی رانندگی هم می‌کند و یا به بازی بیس‌بال می‌رود، در حالی که می‌داند صندلی‌اش در جای امنی نیست و هر لحظه ممکن است توپ رها شده توسط بازیکنان، به او اصابت کند. در واقع، چنین تماشاگری خطر ناشی از توپی را که به‌وسیله بازیکن رها می‌شود، می‌پذیرد و با علم و اراده خود ترجیح می‌دهد در جایی که ایمنی ندارد، به تماشای بازی بنشیند یا در صورتی که ظرفیت ورزشگاه پُر باشد و تماشاگران به دلیل نبود جا، بر روی دیوارها یا جاهای بلند مشرف به صحنه بنشینند، در این صورت با علم و اراده خود تن به خطر داده‌اند و نمی‌توانند در صورت خسارت دیدن، آن را از مسئولان ورزشگاه مطالبه کنند.

ج. گاهی، معمولاً خواهان با آگاهی از خطر ناشی از تقصیر خواننده، داوطلبانه آن را می‌پذیرد و بدان تن می‌دهد. خواهان، دانسته و آگاهانه وسیله معیوب را به‌کار می‌گیرد و حتی پس از بروز خطر به استفاده از آن ادامه می‌دهد یا خواهان، علی‌رغم دسترس به وسایل حمل‌ونقل، با راننده‌ای مست و یا با ماشین بدون لامپ، شبانه به مسافرت می‌رود. در چنین صورتی، اگر خواهان آزادانه به این کار دست زده باشد، بی‌گمان خطر را پذیرفته است و خواننده، در قبال زیان به بار آمده، مسئولیتی نخواهد داشت (Ibid: 439- 440).

برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند:

پذیرش خطر در جایی است که خواهان، آگاهانه خود را در معرض یک خطر شناخته شده قرار می‌دهد، بی‌آنکه مرتکب تقصیری شده باشد. در چنین صورتی، فرض این

است که او خطر را پذیرفته است و چنین کاری، خواننده را از مسئولیت معاف می‌سازد (Campbell Black, 1990: 123, 1575).

بدین ترتیب، شرط پذیرش قاعده آن است که، خواهان خود نباید مرتکب تقصیر شده باشد، بلکه آگاهانه نتایج زیان‌بار ناشی از تقصیر دیگری را می‌پذیرد. نتیجه آنکه، شرایط پذیرش دفاع خطر در دادگاه عبارت است از:

۱. خواهان، به مسائل و اوضاع و احوال حاکم بر موقعیت کاری خود، علم داشته باشد؛
۲. بداند که آن موقعیت خطرناک است؛
۳. به ماهیت و دامنه خطر احتمالی علم داشته باشد؛
۴. آگاهانه خود را در معرض خطر قرار دهد (Ibid: 123, 1575 و کروزن، ۱۳۸۴: ۶۲۰).

پس همه واژه‌های پیش‌گفته برای بیان اثر رضایت به‌کار می‌رود، ولی برخی از نویسندگان کوشیده‌اند تا میان پذیرش خطر و رضایت زیان‌دیده تفاوت گذارند:

در مورد خطای عمدی که شخص به ورود زیان مالی یا جانی معین بر خود رضایت می‌دهد، اصطلاح «رضایت» (consent) به‌کار می‌رود، ولی در مورد خطای غیرعمدی مثل موردی که شخص دست به اقدامی می‌زند که ممکن است برای او ضرری دربرداشته باشد و یا به اقدامی رضایت می‌دهد که احتمال ورود ضرر به او را دارد، واژه «پذیرش خطر» (assumption of risk) به‌کار می‌رود.

به باور این دسته، واژگان پیشین همه یک حقیقت را بیان می‌کنند و تنها موارد استفاده آنها فرق دارد. تعریف بالا بر این مهم گواهی می‌دهد که درباره قاعده پذیرش خطر گفته شده است: این قاعده اغلب «volenti non fit injuria» نامیده می‌شود (Ibid).

### ۳. مقایسه رضایت با نهادهای مشابه

#### ۳-۱. مقایسه رضایت با تقصیر مشترک

گاه ممکن است این دو قاعده در یک مورد کاملاً بر هم منطبق باشند؛ مانند جایی که خواهان، برخلاف متعارف خسارت را می‌پذیرد، ولی با یکدیگر یکسان نیستند (Prosser; op.cit: 441). تقصیر مشترک یا تقصیر زیان‌دیده (contributory negligence) مانند قاعده رضایت زیان‌دیده، پیشینه‌درازی در حقوق کامن‌لا ندارد. این نظریه در آغاز قرن نوزدهم در حقوق کامن‌لا پدیدار شد. در آغاز پیدایش آن، اعتقاد بر این بود که تقصیر

مشترک همانند رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر، یک دفاع کامل و تمام‌عیار است و عامل زیان، با استناد بدان کاملاً از مسئولیت معاف می‌شود، ولی با تصویب قانون اصلاحی تقصیر مشترک انگلستان، مصوب ۱۹۴۵ (Act Law Reform (contributory negligence)) که اقتباسی از قانون کنوانسیون‌های دریایی (Maritime Convention) مصوب سال ۱۹۱۱ است، مرز میان این دو قاعده متمایز شد (Fridman, op.cit: 358).

مطابق بند اول ماده ۱ قانون اصلاحی تقصیر مشترک:

در هر موردی که شخص در نتیجه تقصیر خود و دیگری، متحمل زانی شود، دعوای ضرر و زیان فرد مزبور به دلیل تقصیر زیان‌دیده منتفی و ملغی نمی‌شود، بلکه زیان‌های قابل وصول، در حدی که دادگاه با توجه به سهم مدعی از مسئولیت (میزان مداخله و تأثیر تقصیر مدعی در ورود زیان)، عادلانه و منصفانه بداند، کاسته خواهد شد ...

بنابراین در نظریه تقصیر مشترک، دو تقصیر وجود دارد: تقصیر زیان‌دیده (خواهان) و دیگری (خواننده). در واقع تفاوت مهم در این است که در قاعده تقصیر مشترک، خواهان، علم به خسارت ندارد یا خسارت را برخلاف میل خود می‌یابد و همین مهم دادگاه را بر آن می‌دارد که با توجه به سهم هر یک، از خسارت‌ها بکاهد؛ در حالی که در قاعده رضایت زیان‌دیده، خطرات برای خواهان شناخته شده است و خواهان دانسته بدان تن می‌دهد (Prosser, op.cit: 441).

افزون بر این، قاعده تقصیر مشترک یک دفاع جزئی است که به موجب آن، خواننده تا اندازه‌ای که دادگاه منصفانه می‌بیند، از جبران خسارت معاف می‌شود، در حالی که رضایت زیان‌دیده، یک دفاع کامل است و به موجب آن، خواننده از جبران خسارت کاملاً معاف می‌شود و زیان‌دیده هم نمی‌تواند با اقامه دعوا نارضایتی خود را از خسارت نشان دهد\* (Harpwood, 2003: 417; Harvey & Others, 2003: 200).

امروزه رویه قضایی به هنگام ترجیح یکی بر دیگری، نظریه تقصیر مشترک را بر نظریه رضایت زیان‌دیده ترجیح می‌دهد. یعنی هنگامی که اعمال قاعده تقصیر مشترک با رضایت زیان‌دیده مشتبه باشد، قضات تمایل به اعمال قاعده تقصیر مشترک دارند و می‌پذیرند که هر دو در بروز خسارت، تقصیر داشته‌اند و به قدر متیقن بسنده می‌کنند. البته در بعضی موارد نیز قاعده رضایت زیان‌دیده اعمال نمی‌شود (Ibid: 418).

\* Morris v. Murray (1990) 3 A 11 ER 344, Court of Appeal.

### ۲-۳. مقایسه رضایت زیان دیده با قاعده دعوی مبتنی بر فساد، مسموع نیست

قاعده دعوی مبتنی بر فساد، مسموع نیست (ex trupi casua non oritur actio) نیز مانند قاعده رضایت زیان دیده، یک دفاع تمام عیار و از اسباب معافیت از مسئولیت است و منظور این است که، بر پایه یک مبنای غیرقانونی نمی توان اقامه دعوا کرد و جبران خسارت خواست. به عنوان نمونه، بر پایه یک قرارداد غیراخلاقی و شرورانه و یا قرارداد غیرقانونی و یا مبتنی بر اندیشه بد، نمی توان جبران خسارت خواست (Campbell Black, op.cit: 588 و کروزن، همان: ۲۴۵). پس اگر اداره پلیس فردی را دستگیر کند و او در مدت بازداشت خودکشی کند، همسر متوفی نمی تواند علیه اداره پلیس اقامه دعوا کند و به این مهم استناد کند که پلیس از تمایل متوفی به خودکشی به هنگام دستگیری، آگاه بوده است و آن را به مسئولان بازداشتگاه منعکس نکرده است. این دعوا به استناد قاعده «دعوی مبتنی بر فساد، مسموع نیست»، رد می شود\* (harvey, op.cit: 243-250).

دادگاه در دعوی بینت علیه هانت و دیگری، با استناد به قاعده پیش گفته، خواهان را مستحق جبران خسارت ندانست. در این پرونده، خواهان به همراه دوستش پس از یک باده گساری عصرانه در یک دیسکو، با موتور به سوی منزل رهسپار شد. دوست خواهان، هدایت موتور را به عهده گرفت، در حالی که نه گواهینامه رانندگی داشت و نه بیمه نامه و شاکي با آگاهی از این امور، بر ترک موتور سوار شد. افزون بر اینکه، راکب موتور مست بود و با بی مبالاتی رانندگی می کرد و تشویق های پی در پی خواهان، راننده را به ادامه کار برمی انگیزت. این رانندگی مردم را وحشت زده کرده بود، تا اینکه موتورسیکلت با یک اتومبیل تصادف کرد و در اثر آن، راننده کشته شد و خواهان مجروح شد و برای جبران خسارت های وارده به خود، اقامه دعوا کرد که به استناد قاعده پیش گفته، رد شد\* (Ibid: 241-243).

\* Kirkham v. Chief constable of Greater Manchester Police (1990) 3 A 11 ER 246.

\* Pitts v. Hunt and Others (1990) 3 A 11 ER 344, Court of appeal.

#### ۴. تأثیر رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر در مسئولیت مدنی

رضایت مؤثر در مسئولیت مدنی، بر دو گونه است:

- الف. گاه شخص، عالمانه خود را در معرض خطرات بدنی و یا اقتصادی قرار می‌دهد؛  
 ب. گاهی هم زیان‌دیده، خطر حقوقی جبران خسارت را پذیرفته است و به آن تن می‌دهد. بدین ترتیب، طرف مقابل به‌طور کامل از مسئولیت معاف می‌شود (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۱۵ و ۶۰؛ Murthy, 1997).

##### ۴-۱. پذیرش عالمانه خطرات بدنی و اقتصادی

رضایت به خطر، باید با علم کامل و تفصیلی به خطر باشد. در واقع، فرد باید طبیعت و میزان خطر را به‌طور کامل بشناسد و به آن آگاه باشد. بنابراین صرف اطلاع از خطر کافی نیست و تأثیری در مسئولیت ندارد و طرف مقابل را از مسئولیت معاف نمی‌سازد. به عنوان نمونه، مسافر با احتمال تصادم به اتوبوس سوار می‌شود، ولی این آگاهی در مسئولیت راننده اثری ندارد و او را از مسئولیت معاف نمی‌سازد (کاتوزیان، الف، ۱: ۵۰۹).

پس اگر فردی وسیله نقلیه دیگری را بگیرد، بدون آنکه نحوه استفاده از آن (موتورسیکلت) را بداند و مالک هم درباره نحوه راه‌اندازی و کنترل موتور، به دادن تعلیمات اندکی بسنده کند و موتورسوار صدمه ببیند، نمی‌توان به قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر استناد کرد، زیرا عدم کنترل موتورسیکلت، ناشی از ناآگاهی او بوده است و اگر موتورسوار، به نحوه کنترل و راه‌اندازی موتورسیکلت علم می‌داشت و می‌دانست که این جهل به زیان او می‌انجامد، از موتورسواری خودداری می‌کرد. در واقع به تصور موتورسوار، همان مقدار تعلیمات، برای کنترل و راه‌اندازی موتور کافی بوده است\* (Harpwood, op.cit: 418).

افزون بر این، فرد باید نسبت به خطر، رضایت واقعی داشته باشد و به‌صورت صریح (شفاهی یا کتبی) اظهار کند و یا رضایت فرد باید به‌صورت ضمنی یا تلویحی از

\* Sterner v. Lawson (1977) 79 DLR (3d) 366, Ratcliffe v. McConnell (1990) the Times, 3 December.



اوضاع و احوال حاکم بر موضوع، دانسته شود. بنابراین، اگر کارگری در معدن سنگ به کار سوراخ کردن و مته کردن قطعات سنگ گمارده شود و هر لحظه جرثقیل، بدون هشدار به کارگر، قطعات بزرگ سنگ را با بند از بالای سر او جابه‌جا کند، به گونه‌ای که هر لحظه احتمال ریزش آن وجود داشته باشد، نمی‌توان بر آن شد که در چنین اوضاع و احوالی، زیان‌دیده رضایت ضمنی به پذیرش خطر داشته است، حتی اگر نارضایتی خود را هم ابراز کرده باشد. به باور قاضی پرونده:

من به نوبه خودم فکر می‌کنم، فردی که به رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر استناد می‌کند، باید رضایت به انجام کار معینی را ابراز کند. البته منظورم این نیست که استنباط رضایت ضمنی از روند کار و اوضاع و احوال را انکار می‌کنم؛ زیرا رضایت ضمنی همانند رضایت صریح است. با وجود این، من با آنکه این قاعده را بر جهات خاصی از پرونده منطبق می‌دانم، بر این باورم که خواهان، رضایت نداشته یا نمی‌توانسته رضایت داشته باشد؛ زیرا خودش گفته است: «من نمی‌توانستم مواظب خودم باشم. شما مرا به کاری گماردید که یک وسیله معمولی برای مواظبت از خود نداشتم و فقط باید به مته کردن توجه می‌داشتم»\* (Harvey & Others, op.cit: 236-238). دادگاه در دعوی دیگر هم قانع نشد که خواهان رضایت ضمنی به خطر داشته است. در این دعوا راننده گاری‌ای که به وسیله یک اسب رم‌کرده آسیب دیده بود، علیه کارفرمای خود اقامه دعوا کرد، در حالی که راننده می‌دانست که اسب چموش و سرکش، در گذشته هم رم کرده است و حتی از وضع اسب، نزد کارفرمای خود شکوه کرده بود. دادگاه با رد اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر بر آن شد که «باید ثابت شود که راننده به خطر موجود رضایت داده است»\*\* (Padfield, 1989: 196).

در واقع به نظر می‌رسد، آنچه دادگاه‌ها را به سوی عدم اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده می‌کشاند این است که خواهان در پذیرش خطر حق انتخاب نداشته است. بدین معنا که فرد باید از همه جوانب و اوضاع و احوال موضع آگاه باشد و همه موانع محدودکننده آزادی شخص از سر راهش برداشته شود تا بتوان دریافت که او به زیان رضایت داده است. پس اگر مسافری سوار ماشینی شود که راننده آن نیمه‌مست باشد،

\* Smith v. Baker & Sons (1891) AC 325.

\*\* Bowater v. Rolwly Rigis Corporation.

به گونه‌ای که احتمال صدمه دیدن مسافر زیاد باشد، نمی‌توان بر آن شد که خواننده به زیان رضایت نداشته است؛ به ویژه آنکه دوست راننده مست با دیدن اوضاع از ماشین پیاده می‌شود و مسافر را هم به پیاده شدن فرامی‌خواند، ولی مسافر به ادامه مسافرت با راننده مست رضایت می‌دهد\* (بوشهری، ۱۳۸۳: ۲۸۱-۲۸۲).

چنین می‌نماید که رویه قضائی انگلستان، احراز رضایت ضمنی را برای اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده به سختی می‌پذیرد، ولی این بدان معنا نیست که اعمال قاعده، با توجه به رضایت ضمنی، سابقه‌ای نداشته باشد. در دعوی موریس علیه موری و دیگری، خواهان و متوفی پس از چندین بار نوشیدن نوشیدنی، در یک آبجوفروشی دیده شدند. آنها پس از چندین بار نوشیدن، به دعوت متوفی تصمیم گرفتند با هواپیمای خواننده پرواز کنند. بنابراین تا فرودگاه کوچکی پرواز کردند ولی شرایط بد جوی مانع ادامه پرواز آنان شد. از این رو ترجیح دادند به جای حرکت در مسیر باد، اوج گرفته، ارتفاع خود را افزایش دهند. در این میان هواپیما صدمه دید و سقوط کرد و خلبان کشته شد و خواهان به شدت مجروح شد. دادگاه دعوی خواهان را مطابق با قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر دانست و آن را رد کرد. به باور قاضی فوکس (Fox): مطابق مدارک، خواهان می‌دانست که به پرواز می‌رود و می‌دانست که متوفی، خلبان است و به مست بودن خلبان در آن بعدازظهر علم داشته است و خوب می‌دانست که خلبان سیر نوشیده بود ... من فکر می‌کنم که او می‌دانست که چه می‌کند و قادر به دانستن میزان خطر بوده است ... من فکر می‌کنم خواهان با سوار شدن به هواپیما، به‌طور ضمنی از حقوق خود در قبال جراحت حاصل از حادثه که در اثر کوتاهی و سهل‌انگاری و عدم مراقبت متعارف در پرواز پدید آمده است، اعراض کرده است ... من این‌چنین نتیجه می‌گیرم که خواهان، خطرات را پذیرفته است و به‌طور ضمنی خلبان متوفی را از مسئولیت ناشی از صدمات حاصل از پرواز با هواپیما بری داشته است. از نظر من، قاعده رضایت زیان‌دیده بر این پرونده منطبق است\* (Harvey & Others: 235-236; Padfield, op.cit: 197).

باید توجه داشت که در موقعیت‌های خطرناکی که در اثر مسامحه و سهل‌انگاری

\* Dann v. Hamilton (1939) KBD 1 A 11 ER 59.

\* Morris v. Murry and another (1990) 3 A 11 ER 801.

خواننده پدید می‌آید و دیگری (خواهان)، برای کمک به خواننده و یا دیگران در شرایط اضطراری قرار می‌گیرد، قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر کارآیی ندارد و اهداف بشردوستانه و خیرخواهانه مانعی بر سر راه قاعده رضایت زیان‌دیده است و زیان‌دیده‌ای که به یاری فرد در خطر افتاده می‌شتابد، می‌تواند جبران خسارت‌های وارد آمده بر خود را بخواهد. به‌عنوان نمونه، چنانچه عابری فریادهای راننده کالسکه‌ای را بشنود که نمی‌تواند اسب‌های رم‌کرده را مهار کند و جانش در خطر است و یا ممکن است به کودکان سرگرم بازی آسیب برساند و با به خطر انداختن خود، به یاری راننده برود یا کودکان را نجات دهد\* یا اگر پزشکی برای نجات جان مصدومی که در ته چاه مانده است، بشتابد و خود در آنجا جان سپارد\*\* نمی‌توان با استناد به قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر، پزشک یا عابر خیرخواه را از دریافت خسارت محروم کرد (Winfield, op.cit: 35)؛ زیرا چنین کاری، راه را بر روی اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه می‌بندد و جامعه را از این نوع کارها محروم می‌سازد. از این رو، محسن یا کسی که به وظیفه اخلاقی عمل می‌کند، ضامن خسارات ناشی از کار خود نیست و حتی می‌تواند هزینه‌های خود را نیز مطالبه کند (کاتوزیان، الف، ۲: ۱۶۳).

قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر، گاهی نیز در پرونده‌های مربوط به حوادث ناشی از مشاغل و حوادث رانندگی مطرح می‌شود. زیان‌دیده معمولاً در حوادث ناشی از مشاغل خطرناک، به خسارت رضایت می‌دهد و خطرات ناشی از کار را می‌پذیرد. البته علم کارگر به خطر و پذیرش آن، از تعهد کارفرما به مراقبت و تأمین امنیت کارگر نمی‌کاهد. بنابراین کارگری که در یک کشتارگاه کار می‌کند و دام‌های کشته شده را با نوار جابجا می‌کند یا مسئول نظارت بر دام‌های کشته شده است که از پا آویزانند و با نوار از برابرش می‌گذرند، به خطر ناشی از سقوط لاشه دام یا خوک آگاه است و با علم به خطرات، به این کار مشغول می‌شود. پس اگر لاشه دام یا خوک بر روی کارگر بیفتد و او را مجروح سازد، کارگر نمی‌تواند الزام کارفرما به جبران خسارت را بخواهد؛ زیرا او به خطرات کار در کشتارگاه کاملاً آگاه بوده است و یا باید آگاه می‌شد و اوضاع و

\* Haynes v. Harwood (1635).

\*\* Baker v. T.E. Hopkins & Sons.

احوال و قراین نشان می‌دهد که چنین کارگری به خسارت رضایت داشته است\*  
(Harpwood, op.cit: 419).

دفاع رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر در حوادث رانندگی که راننده‌ای مست کنترل و هدایت ماشین را برعهده داشته است نیز به گونه‌ای دیگر مطرح می‌شود. در چنین مواردی پرسش این است که، صرف سوار شدن مسافر به ماشینی که هدایت آن را راننده‌ای مست برعهده دارد، به منزله پذیرش خطر است یا آنکه باید از خطرات آگاه باشد و در اعلام رضایت حق انتخاب هم داشته باشد؟ در دعوی دان علیه هامیلتون، صرف سوار شدن به ماشین، به منزله رضایت ضمنی به قبول خطر دانسته نشد و با توجه به قرائن دیگر، خواهان از دریافت خسارت محروم شد. البته با تصویب قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸ و به موجب ماده ۱۴۸ آن، علم به مستی خواننده، ممکن است تقصیر مشترک به‌شمار رود و ایراد رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر پذیرفته نشود (Fridman, op.cit: 352 و کاتوزیان و همکاران، همان: ۱۱۶-۱۱۷).

امروزه رویه قضایی در اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده سخت‌گیری می‌کند؛ زیرا از یک سو در حوادث ناشی از مشاغل خطرناک و رانندگی، کمتر به دنبال اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده است و دادگاه‌ها، اعمال قاعده تقصیر مشترک را بر قاعده رضایت زیان‌دیده ترجیح می‌دهند (Padefield, op.cit: 197 و کاتوزیان و همکاران، همان: ۱۱۶-۱۱۷). به باور برخی قاضی‌ها مانند قاضی دنینگ، اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده به‌عنوان یک دفاع کامل، در سال‌های اخیر از سوی دادگاه‌ها به شدت محدود شده است؛ زیرا علم به خطر و خسارت و پذیرش خطر برای معافیت از مسئولیت کافی نیست (Harvey & Others, op.cit: 220).

از سوی دیگر، محدودیت دیگری که در اعمال قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر به چشم می‌خورد، در مسئولیت ناشی از عیب تولید است؛ زیرا رضایت زیان‌دیده در دعوی مبتنی بر تقصیر مؤثر است. بنابراین، دادگاه‌های نظام حقوق عرفی (ایالات متحده) اختلاف دارند که آیا این قاعده از مسئولیت محض می‌کاهد یا در آن اثری ندارد (کاتوزیان، ب، ۱۳۸۴: ۱۹۲-۱۹۳).

\* Gledhill v. Liverpool Abattoir Co Ltd (1957) 1 WL R 1028.

در دو مورد پیش‌گفته، کارفرمایان و رانندگان باید به تعهد خود نسبت به مراقبت و مواظبت از سلامتی و ایمنی کارگران و مسافران عمل کنند. آنان در ضمن قرارداد استخدامی و مانند آن، نمی‌توانند با درج شرط عدم مسئولیت، از این تکلیف برهند؛ زیرا چنین شروطی برخلاف نظم عمومی است که در ادامه خواهد آمد (Harpwood, op.cit: 419).

به‌عنوان نمونه، هنگامی که کودکی در سفر با اتوبوس، علی‌رغم هشدارهای راننده دستش را از پنجره بیرون می‌آورد و مجروح می‌شود، به زیان خود رضایت داده است، ولی اگر راننده برخلاف متعارف هیچ هشدارری به مسافر نداده باشد، سخن از تقصیر مشترک به میان می‌آید؛ زیرا رانندگان وسایل نقلیه‌ای که به جابه‌جایی مسافران مشغولند، متعهدند که مراقبت‌های لازم و حتی ویژه‌ای را از مسافران به‌عمل آورند. پس اگر مسافران مجبور باشند تا مقصد، روی رکاب اتوبوس بایستند، راننده باید این واقعیت را لحاظ کند و مراقب باشد که اتفاقی رخ ندهد، ولی اگر مسافری در چنین شرایطی زخمی شود، به موجب قاعده پذیرش خطر، راننده از مسئولیت معاف نمی‌شود (Murthy, op.cit: 60).

این دیدگاه را فقط با توجه به آنچه گذشت می‌توان توجیه کرد که صرف آگاهی از خطر، تأثیری در مسئولیت ندارد و موجب معافیت از مسئولیت نیست، وگرنه امروزه در بسیاری از موارد، افراد با آگاهی از خطرات یک کار، با آن روبه‌رو می‌شوند و آن را می‌پذیرند. به‌عنوان نمونه، بیمار با علم به اینکه هیجان زیاد برایش زیان دارد، بازی تیم محبوب خود را تماشا می‌کند یا به تماشای فیلم جذابی می‌رود و حتی مبالغی هم هزینه می‌کند. بنابراین اگر فردی برای تماشای یک مسابقه مانند مسابقات اتومبیل‌رانی هزینه‌ای پردازد و در خلال مسابقه و علی‌رغم احتیاط‌ها، اقدامات و تدابیر اندیشیده شده، یک اتومبیل پس از انحراف از پیست مسابقات، پس از برخورد با نرده‌ها موجب مرگ تماشاگری شود، مسئول برگزاری مسابقات ضامن نیست؛ زیرا در چنین مواردی تماشاگران، خطر ناشی از مسابقه را پذیرفته‌اند، بدان رضایت دارند و این خطرات هم ذات و طبیعت یک ورزش است\* (Padfield, op.cit: 195). در نتیجه باید میان دو مورد تفاوت گذارد. در صورتی که راننده ماشینی یا مسئول برگزاری مسابقات، رفتار

\* Hall v. Brooklands Atuo-Racing Club (1933).

متعارفی در پیش می‌گیرد و همه احتیاط‌ها و تدابیر لازم را می‌اندیشد، ولی علی‌رغم همه تدابیر اتخاذ شده، حادثه رخ می‌دهد و مسافر یا تماشاگر صدمه می‌بیند، راننده یا مسئول مسابقات ضامن نیست و استناد به رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر، منطقی نیست. ولی اگر راننده بدون رعایت احتیاط‌های لازم، رفتار نامتعارفی داشته باشد و هشدارهای لازم را درباره ایستادن روی رکاب، پله یا جلوی در به مسافران ندهد و یا مسئول برگزاری مسابقات، احتیاط‌های لازم را رعایت نکند، بی‌گمان این مورد از موارد اعمال قاعده تقصیر مشترک است و راننده یا مسئول برگزاری مسابقات ضامن‌اند (کاتوزیان، الف، ۱: ۳۳۳). به همین دلیل گفته می‌شود: «پذیرش خطر یا رضایت به اضرار از سوی زیان‌دیده، وصف تقصیر را از رفتار طرف مقابل نمی‌زداید؛ زیرا انسان آگاه و معقول بر مبنای رضای زیان‌دیده به دیگری صدمه نمی‌زند» (همان: ۵۰۹).

#### ۲-۴. رضایت به خطر حقوقی جبران خسارت

این مورد برخلاف فرض پیشین، مرسوم و موافق قاعده است و خود را به صورت شروط عدم و یا تحدیدکننده مسئولیت نشان می‌دهد؛ در نتیجه محدودیت‌هایی که در شروط عدم و تحدیدکننده مسئولیت گفته شده، با تفاوت اندکی، در این مورد هم باید لحاظ شود (همان: ۳۳۱-۳۳۲ و کاتوزیان و همکاران، همان: ۱۱۸).

تفاوت در این است که در خسارت‌های وارد بر اموال، رضایت بیش از شرط عدم مسئولیت، تأثیر دارد. شرط عدم مسئولیت در فرض ارتکاب تقصیر عمدی و در حکم آن بی‌تأثیر است، ولی هنگامی که فردی با رضایت مالک، مال او را تلف کند، مسئول نخواهد بود؛ زیرا ضمان، برای حفظ احترام اموال مالک است و هنگامی که مالک با رضایت خود احترام مالش را ساقط کند، دلیلی بر ضمان وجود ندارد (مراغی، ۱۴۱۸: ۵۱۴).

بنابراین، با فرض وجود رضایت مالک به اتلاف، اتلاف مباح می‌گردد و نوبت به تقصیر عمدی و یا در حکم عمد نمی‌رسد، ولی در مورد صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، باید با دیدگاهی هم‌عقیده شد که رضایت را موجب اباحه عمل ارتكابی نمی‌داند. پس فردی مانند پزشک یا بوکسور، با وجود رضایت زیان‌دیده نمی‌تواند به بیمار یا حریف صدمه بزند (ایزانلو، ۱۳۸۲: ۷۸-۸۱).

البته برخی از نویسندگان حقوق عرفی به چنین تفصیلی اشاره نکرده‌اند، ولی معتقدند که هرچند مفهوم نظم عمومی مبهم است ولی رضایت زیان‌دیده را محدود می‌کند و چنین رضایت‌هایی تأثیری در رفع مسئولیت ندارد. بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند با رضایت زیان‌دیده، به عمد به دیگری زیان برساند، بلکه باید به صورت متعارف رفتار کند. پس درست است که فوتبال یا مشت‌زنی، ورزشی قانونی است، ولی مبارزه بدون دستکش مشت‌زنی و یا مبارزه بسیار خشن، غیرقانونی است و نمی‌توان وجود رضایت را توجیه مناسبی برای اضرار عمدی دانست (Winfield, op.cit: 419). بدین ترتیب، استناد به نظم عمومی در محدوده قراردادهای خصوصی بیشتر است و مانعی جدی بر سر راه توافق‌های خصوصی افراد است. به‌عنوان نمونه، نظم عمومی، توافق متصدی حمل و نقل با مسافر یا صاحب کالا را محدود می‌سازد و مانع آن می‌شود که متصدی بتواند با درج شرط عدم مسئولیت، خود را از اضرار عمدی معاف سازد (Prosser, op.cit: 442-443).

## ۵. تطبیق قاعده رضایت زیان‌دیده با قاعده اقدام

قاعده رضایت زیان‌دیده در نظام حقوقی کامن‌لا با قاعده اقدام در حقوق اسلامی شباهت‌هایی دارد و موجب معافیت عامل زیان از مسئولیت می‌گردد.<sup>\*</sup> به دیگر سخن، قاعده اقدام در فقه، به لحاظ تاریخی، وضع مشابهی با قاعده رضایت زیان‌دیده دارد؛ زیرا در فقه نیز قاعده اقدام از مسقطات ضمان است و اقدام زیان‌دیده موجب معافیت کامل عامل زیان می‌گردد. به‌عنوان نمونه، در صورتی که خریدار با علم به اینکه با فضول معامله می‌کند و مال را از مالک حقیقی نمی‌خرد، وارد معامله با فضول شود و پس از معامله، مالک اصلی به خریدار رجوع کند و مال خود را از او بگیرد، خریدار آگاه حق مطالبه خسارات را از فضول نخواهد داشت و یا اگر فردی مال خود را به کودک یا دیوانه بسپارد و کودک یا دیوانه، کالا را تلف کند، مالک حق رجوع به متلف کودک یا دیوانه را نخواهد داشت؛ زیرا مالک به زیان خود اقدام کرده است و رضایت داده که دیگری، مالش را بدون دادن عوضی تلف کند. بنابراین قاعده اقدام هنوز هم در

\* در فقه، در اینکه اقدام زیان‌دیده موجب ضمان است یا مسقط آن، میان فقیهان اختلاف نظر است.

فقه یک دفاع مطلق و کامل تلقی می‌شود. البته باید توجه داشت که دامنه اقدام در فقه محدود به جایی است که زیان دیده، خود به کار زیان‌بار رضایت می‌دهد و نمونه‌هایی که فقیهان برشمرده‌اند، ناظر به این جنبه قاعده اقدام است؛ یا اگر خریدار با علم به عیب موجود در مبیع، آن را بخرد، خیار عیب ندارد؛ یا اگر فردی تبرعاً از مدیونی ضمانت کند، پس از پرداخت دین، حق رجوع به مضمون‌عنه را نخواهد داشت (مراغی، همان: ۴۸۸-۴۹۹ و موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۷).

امروزه برخی از استادان حقوق برآنند که دامنه اقدام را نباید به آنچه فقیهان پرداخته‌اند، محدود کرد. به باور این دسته از صاحب‌نظران، درست است که قاعده اقدام، به‌طور سنتی ناظر به جایی است که اقدام زیان‌دیده، تنها علت بروز خسارت به‌شمار می‌آید، ولی باید دامنه آن را گسترش داد تا جایی را که تقصیر زیان‌دیده به تقصیر دیگری گره خورده است و هر دو موجب پیدایش خسارت می‌شود هم دربرگیرد (کاتوزیان، ب: ۵۰۲-۵۰۳ و ۳۰۶). بنابراین ارائه چنین تفسیری از قاعده اقدام، موجب گسترش دامنه آن می‌شود و در هر مورد، باید حکمی جداگانه داد. جایی که اقدام زیان‌دیده تنها علت وقوع خسارت است، زیان‌دیده برای جبران خسارت، حق رجوع ندارد و خودش باید تاوان کار خود را بدهد و در واقع، اقدام مسقط ضمان است، ولی در جایی که تقصیر زیان‌دیده در کنار تقصیر دیگری موجب بروز خسارت می‌شود، زیان‌دیده نسبت به اندازه‌ای که خطای خودش در بروز مسئولیت دخالت نداشته است، حق رجوع به مقصر شریک دارد.

این نظر حقیقتی را باز می‌گوید؛ اینکه در کتاب‌های قواعد فقه، قاعده اقدام کمتر به‌عنوان قاعده بررسی شده است و نویسندگانی که به بررسی این قاعده پرداخته‌اند، در بحث از قلمرو قاعده، بیشتر به نقل نمونه‌های مشهور پیش‌گفته بسنده کرده‌اند و یا مورد جدیدی بدان افزوده‌اند، ولی کمتر به واکاوی قلمرو و حدود این قاعده پرداخته‌اند. امروزه این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا قاعده اقدام تنها مسقط ضمان است و یک دفاع کامل و تمام‌عیار به‌شمار می‌آید، یا اینکه در مواردی موجب کاهش مسئولیت است و یک دفاع جزئی است؟ افزون بر این، اقدام زیان‌دیده در خسارت‌های وارد بر اموال تأثیر دارد یا اقدام در همه خسارت‌ها اعم از مالی و بدنی و جانی؟



نگاهی به نمونه‌های پیش‌گفته روشن می‌سازد که نویسندگان کتاب‌های قواعد فقه، تنها در قاعده اقدام به سراغ خسارت‌های مالی رفته‌اند و نمونه‌هایی که برشمرده‌اند، گواه آن است که قلمرو اقدام به خسارت‌های وارد بر اموال محدود می‌شود. پس سیاق بحث نشان می‌دهد که اقدام زیان‌دیده، تنها در خسارت‌های وارد بر اموال موجب معافیت از مسئولیت است و در خسارت‌های وارد بر جان و صدمه‌های بدنی و لطمه به حیثیت، اقدام مؤثری نداشته است و مسقط ضمان نیست.

با وجود این، بررسی دیدگاه فقیهان، نادرستی این دیدگاه را نشان می‌دهد؛ زیرا از یک سو، مبانی قاعده اقدام این تردید را برطرف می‌سازد و از سوی دیگر، نمونه‌های مطرح در ابواب فقهی، ضعف دیدگاه پیشین را آشکار می‌سازد:

مسئولیت و ضمان در فقه، به خاطر احترام به مالکیت خصوصی و اموال اشخاص پدید آمده است و هرگاه مالک با طیب نفس و رضایت خود، احترام از مال خود را بردارد، حکم به ضمان دلیلی ندارد. به دیگر سخن، هرگاه مالک، رضایت دهد که دیگری مال او را بدون عوض تلف کند، رضایت داده است که به او خسارتی وارد آید و با این کار خود، احترام مالش را برداشته است؛ بنابراین دیگر جایی برای مسئولیت نمی‌ماند. چنین فردی بدان می‌ماند که تبرعاً کاری برای دیگری انجام داده است یا اموالی به او داده است و متبرع نمی‌تواند آنچه را داده است، بازستاند.

افزون بر این، دلیل لاضرر هم بر این مهم دلالت دارد که اقدام زیان‌دیده مسقط ضمان است؛ همان‌طور که مالک درخت (سمره بن جندب)، با نپذیرفتن پیشنهادهای پیامبر ﷺ، احترام مال خود را از بین برد و علیه خود اقدام کرد و پیامبر با توجه به این مهم، دستور قلع درخت را دادند. پس ضمان برای نفی ضرر نارواست و اگر مالک یا فردی به زیان خود رضایت دهد، ضمان ساقط می‌شود. البته فقیهان نیز بر این مهم اجماع دارند (مراغی، همان).

از سوی دیگر، نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که فقیهان در خسارت‌های وارد بر اشخاص هم برای نفی ضمان، به سراغ قاعده اقدام رفته‌اند.

اگر کسی چاهی بر سر راه بکند و دیگری به عمد خود را به چاه بیندازد و بمیرد، حفرکننده چاه ضامن نیست؛ زیرا متوفی به زیان خود اقدام کرده است و عمل او رابطه سببیت میان زیان و فعل حفرکننده چاه را قطع می‌کند (سرخسی، بی تا: ۱۶).

اگر فروشنده‌ای به خریدار خود چاقویی بفروشد و خریدار با آن چاقو خود را از پای درآورد، فروشنده مسئول خسارت نیست (احمد سراج، ۱۴۱۰: ۱۲۶).

اگر کسی پوست هندوانه یا موز در راه و مسیر عبور عابران بریزد یا در راه آنقدر آب بپاشد که جاده لغزنده شود و در نتیجه آن، پای عابری بلغزد و صدمه ببیند، آبریزنده یا کسی که پوست‌ها را ریخته، ضامن است، ولی اگر عابر با آنکه می‌توانسته از خطر احتراز کند، به عمد پایش را بر روی پوست بگذارد، کسی ضامن نیست. به باور فقیهان، دلیل حکم، اقوی بودن مباشر (زیان‌دیده) است، ولی افزون بر این مورد باید افزود، عابر با آنکه می‌توانسته از خطر احتراز کند، خود به استقبال خطر رفته است و بدان رضایت داده است؛ بنابراین مسئولیتی پدید نیامده است (نجفی، بی‌تا: ۱۲۸ و حلّی، ۱۴۱۹: ۶۵۶).

اگر فردی در مسیر راه عبور دیگران خوابیده باشد و دیگری با او برخورد کند و بمیرد، فرد خوابیده ضامن است و اگر فرد خوابیده بمیرد و آنکه با او برخورد کرده است نمی‌دانسته که در سر راهش کسی خوابیده است، وارثان متوفی نمی‌توانند جبران خسارت بخواهند؛ زیرا متوفی با علم به اینکه محلی که خوابیده است محل عبور و تردد است، بدان رضایت داده است و خطرات ناشی از آن را هم پذیرفته است، پس ضمانتی وجود نخواهد داشت (حلّی، همان).

اگر کسی، دیگری را به آتش اندازد و او با آنکه توانایی بیرون آمدن از آتش را دارد، از آن بیرون نیاید، کسی که فرد را به میان آتش انداخته است، ضامن نیست؛ زیرا مرگ، مستند به فعل خود متوفی است و اقدام زیان‌دیده علیه خود، رابطه سببیت میان فعل فاعل با زیان را قطع می‌کند (خویی، ۱۴۲۲: ۶).

مواردی را که تقصیر و خطای زیان‌دیده در کنار خطای دیگری سبب بروز خسارت می‌شود هم باید به موارد پیش‌گفته افزود که اقدام زیان‌دیده به‌عنوان جزء‌العله در بروز خسارت نقش دارد. در موردی که سه نفر با هم دیواری را خراب کنند یا چاهی حفر کنند، چنانچه دیوار یا چاه بر روی یکی فروریزد و او را بکشد، شریکان بازمانده، باید دو سوم دیه متوفی را بپردازند و یک سوم هم به‌خاطر نقش تقصیر زیان‌دیده و یا اقدام او به خسارت ساقط است (سرخسی، همان: ۱۴ و ۱۶ و طباطبایی، ۱۴۱۲: ۴۱۴-۴۱۵).

یا در موردی که سه نفر در حین بازی، به نوبت بر پشت هم سوار شوند و کولی بگیرند، ولی در حین بازی و هنگامی که دو نفر سرگرم بازی هستند، ناگهان نفر سوم از راه می‌رسد و سواری‌دهنده را قلقلک می‌دهد و در نتیجه، سواری‌دهنده از جا درمی‌رود، او را بر دوش می‌گیرد و می‌اندازد و گردنش می‌شکند و می‌میرد. در چنین صورتی - که میان فقیهان، اختلاف نظر پدید آورده است - مطابق روایتی از امام علی علیه السلام که در یمن فرموده‌اند؛ هر سه نفر ضامن هستند. زیرا هر سه در بروز خسارت نقش داشته‌اند و هر کدام باید یک سوم، به زیان‌دیده بدهد و به‌خاطر نقش و اقدام زیان‌دیده در بروز خسارت، یک سوم هم ساقط می‌شود (سرخسی، همان: ۱۶؛ خویی، همان: ۲۹۰-۲۹۱ و طباطبایی، همان: ۴۱۱-۴۱۲).

## نتیجه

قاعده رضایت زیان‌دیده در حقوق کامن‌لا همانند تقصیر مشترک، پیشینه طولانی در کامن‌لا ندارد و امروزه هم جایگاه مبهمی دارد. با وجود این، از جمله مسقطات مسئولیت است و استناد به آن، موجب معافیت کامل از مسئولیت می‌شود. از این رو، یک دفاع کامل و تمام‌عیار دانسته شده است. این قاعده با قاعده اقدام در فقه مطابقت دارد و نمی‌توان بر آن شد که اقدام، تنها در خسارات وارد بر اموال مؤثر است، بلکه از این جهت میان آن دو، تفاوتی نیست.

البته باید در نظر داشت که اقدام زیان‌دیده همواره در فقه مسقط ضمان نیست و گاه هنگامی که اقدام زیان‌دیده در کنار کار قابل سرزنش دیگری قرار گیرد، موجب کاهش مسئولیت می‌شود.

نگاهی به آرای فقیهان در فقه روشن می‌سازد که در توجیه قاعده اقدام، آنان به بررسی رابطه سببیت پرداخته‌اند و در صورتی که اقدام زیان‌دیده موجب قطع رابطه سببیت میان فعل زیان‌بار و خسارت شود، به معافیت عامل زیان از جبران خسارت حکم داده‌اند و این مهم در نوشته‌های نویسندگان حقوق کامن‌لا هم دارای طرفداران سرشناسی است.

امروزه در نظام حقوقی کامن‌لا، با توجه به اصلاح قوانین یا وضع قوانین جدید،

دامنه قاعده رضایت زیان‌دیده و پذیرش خطر، محدود شده است و رویه قضایی ترجیح می‌دهد، به جای اعمال این قاعده، قاعده تقصیر زیان‌دیده را نسبت به مورد، اعمال کند و از تفسیر موسع قاعده رضایت زیان‌دیده خودداری می‌کند.

در حقوق ایران هم برخی از صاحب‌نظران برآنند که نباید قاعده اقدام را به موارد مطرح شده در فقه محدود کرد، بلکه باید به بازخوانی در قواعد فقهی و از جمله قاعده اقدام پرداخت و خود را از منبع کهنی چون فقه، محروم نکرد. بنابراین، به باور این دسته، می‌توان قواعدی را که در حقوق مدرن و از جمله کامن‌لا تحت عناوین: رضایت زیان‌دیده، تقصیر زیان‌دیده و تکلیف زیان‌دیده به کاستن از خسارت، را در دل قاعده اقدام جست و از اقتباس و الگوبرداری خودداری کرد.



## منابع

### أ. فارسی

۱. احمد سراج، محمد. ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م. *ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی*. القاهرة: دار الثقافة للنشر والتوزيع.
۲. ایزانلو، محسن. ۱۳۸۲. *شروط محدودکننده و ساقطکننده مسئولیت در قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بوشهری، جعفر. ۱۳۸۳. *حقوق جزا: جبران خسارت*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. خویی، سیدابوالقاسم. ۱۴۲۲ق. *موسوعة الامام الخویی*. ج ۴۲ (مبانی تکملة المنهاج). قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخویی.
۵. رفیعی، محمدتقی و همکاران. ۱۳۸۳. *فرهنگ حقوقی مجلد*. تهران: مجلد.
۶. سرخسی، بی تا. *المبسوط*. ج ۲۷. بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.
۷. طباطبایی، سیدعلی. ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م. *ریاض المسائل*. ج ۱۰. تحقیق: هیأة التألیف والتحقیق والترجمة فی دارالهادی. بیروت: دارالهادی.
۸. حلّی، ابومنصور الحسن بن یوسف المطهر. ۱۴۱۹ق. *قواعد الاحکام*. ج ۳. تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۹. کاتوزیان، ناصر و همکاران: *لعیا جنیدی و مجید غمامی*. ۱۳۸۰. *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر. الف. ۱۳۷۴. *حقوق مدنی. الزامهای خارج از قرارداد. ضمان قهری*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. ب. ۱۳۸۴. *مسئولیت ناشی از عیب تولید*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. کاظمی، محمود. ۱۳۷۷. *آثار رضایت زیان دیده در مسئولیت مدنی*. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱۳. کرزون، لسلی بزیل. ۱۳۸۴. فرهنگ حقوق انگلیسی به زبان فارسی. ترجمه قدیر گلکاریان و دیگران. تهران: نشر دانشیار.
۱۴. مراغی، میرفتاح. ۱۴۱۸. العناوین. ج ۲. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. ۱۳۷۹. قواعد فقهیه. تهران: نشر عروج.
۱۶. نجفی، محمدحسن. بی تا. جواهر الکلام. ج ۴۳. تصحیح. تحقیق و تعلیق: رضا استادی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

## ب. لاتین

17. Campbell black, Henry, 1990. *Blacks law Dictionary*, 6th edition by the publishers editorial staff, London, west publishing.
18. Fridman, G.H.L, 1990. *Torts*, London, Waterflow publishers.
19. Harpwood, Vivienne, 2003. *Modern tort Law*, 5th edition, London, Cavendish publishing limited.
20. Harvey, Barbara & Marston, John. 2000. *Cases and Commentary on Tort*, London, person education limited.
21. Murthy, A.R.K, 1991. *Guptas Compensation-Claims*, 4th edition, Hyderabad, asia law house.
22. Prosser, William, 1971. *Handbook of the law of torts*, 4th edition, west publishing co.
23. Winfield, P.H, 1950. *A Text-Book of Law of Tort*, 5th edition, London, Sweet& Maxwell limited.
24. Padfield, C.F, 1989. *Law Made Simple*, 7th edition, oxford, made Simple books.